

## سبک‌شناسی حکایات گلستان بر اساس فعل

### بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند

مریم نخعی<sup>۱</sup>

#### چکیده

دستور نقش‌گرای نظام‌مند، ارائه‌گر ابزاری برای کشف معنا در زبان و ارتباط کاربرد زبان با بافت‌های اجتماعی است تا در درک ما از زندگی اجتماعی مشارکت نماید. به این دلیل که در این دستور الگوهای تجربه به صورت افعال و فرآیندها به واسطه فرانشس اندیشگانی حاصل می‌شوند، بنابراین با بررسی و تعیین افعال و فرآیندها و میزان رخداد آن‌ها در یک داستان، می‌توان راه به تجربیات، افکار و دنیای ذهن نویسنده برد. در تحقیق حاضر و بر مبنای این دستور، به بررسی ۴۰ حکایت از هشت باب گلستان سعدی پرداخته شده است تا با تعیین افعال و میزان کاربرد فرآیندهای فرانشس تجربی در آن‌ها به‌عنوان شاخصی سبکی، به بررسی ارتباط میان فرآیند به کار رفته و مضمون حکایات گلستان پرداخته شود. نتایج تحلیل، حاکی از آن است که فرآیند رابطه‌ای و بهره‌گیری از ساختار وصفی در چهار باب از هشت باب، فرآیند غالب است؛ ضمن آن‌که پایین‌ترین میزان بهره‌گیری از فرآیند ذهنی و وجودی حاکی از بیان پیام موجود در حکایات، با استفاده از زبانی ساده و بدون ابهام و دشواری است.

کلیدواژه‌ها: هالیدی، دستور نقش‌گرا، سبک‌شناسی، فرایندهای فعلی، حکایات گلستان.

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی.

تاریخ وصول: ۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۰۶

## مقدمه و بیان مسأله

زبان در همهٔ فعالیت‌های روزمرهٔ ما کاربرد دارد. می‌توان گفت به‌جز زمانی محدود که محو انجام فعالیت‌های فیزیکی خود هستیم، در زندگی روزمرهٔ خود به شکلی منظم و مداوم، نیازمند عکس‌العمل نشان دادن به زبان و یا تولید زبانی هستیم که معنامند است. به عبارت بهتر مکالمات زبانی وجه ضروری زندگی ماست (Eggins, ۲۰۰۴: ۲). بنابراین زبان این قابلیت را داراست تا اعمال، گفتار و افکار ما را بازنمایی کند که در دستور نقش‌گرا این امر به فرانش اندیشگانی و زیر شاخه آن یعنی فرانش تجربی سپرده شده است (Leech & Short, ۱۹۸۱: ۱). بواقع زبان این توانایی را دارد تا انعکاس‌دهنده رخداد‌های گوناگون در جهان هستی باشد و زمانی که زبان، تجربه ما از عالم هستی را شکل می‌دهد و سازماندهی می‌کند، عملاً با نقش اندیشگانی ارتباط دارد و منظور از جهان جهان بیرون و درون ذهن آدمی است (Halliday & Webster, ۲۰۰۲: ۵۸).

دستور نقش‌گرای نظام‌مند، ارائه‌گر ابزاری برای کشف معنا در زبان و ارتباط کاربرد زبان با بافت‌های اجتماعی است تا در درک ما از زندگی اجتماعی مشارکت نماید. این دستور، نقش مهم و اساسی زبان را در زندگی ما باز می‌شناساند و ساخت معنا را فرایندی می‌داند که از طریق آنچه زبان شکل می‌دهد، حاصل می‌شود و از طریق بافت‌هایی که در آن به کار می‌رود نیز، شکل می‌گیرد (Eggins, ۲۰۰۱: ۲۱). فرانش اندیشگانی خود به دو زیر شاخهٔ تجربی و منطقی تقسیم می‌شود. بر اساس گفته سمپسون (۲۰۰۴: ۲۲) به این دلیل که در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، الگوهای تجربه به صورت افعال و فرآیندها به‌واسطهٔ فرانش تجربی حاصل می‌شوند، بنابراین با بررسی و تعیین افعال و فرآیندها و میزان رخداد آن‌ها در یک داستان می‌توان راه به تجربیات، افکار و دنیای ذهن نویسنده برد (همان: ۲۶).

گلستان سعدی محصولی زبانی و منحصربه‌فرد در ادب فارسی است که مؤلف با بهره جستن از جادوی زبان و افسون کلام، توانسته با زیرکی هر چه تمام‌تر رخداد‌های کنشی، ادراکی، احساسی و عاطفی صورت‌یافته در حوزه‌های شناختی یک اجتماع فرهنگی-زبانی را بازنمایاند. سعدی با به کار بستن قالب‌های زبانی ویژه در گلستان، دست به تولید و آفرینشی پویا، جهت‌مند و هدف‌دار در حوزه زبان زده که در نهایت منجر به تولید

بیکره‌ای زبانی- ادبی شده است. علاوه بر این باید گلستان را محصولی با چارچوب‌هایی ویژه دانست که در آن نظام‌های گفتمانی فرآیند تولید متن و بروز معنا را پیش می‌برد؛ همین دست ویژگی‌ها موجبات پذیرش عام در قبال اثر را فراهم آورده است و سبب گشته با گذشت روزگار تغییرات اجتماعی، آمد و رفت، سلسله‌های پادشاهی و تغییر آداب و رسوم، باد خزان را بر ورق آن دست تطاول نباشد (متینی، ۱۳۷۵: ۲۴۶).

بنابراین بر اساس این دیدگاه در تحلیل متون آنچه مورد نظر است، این است که چه نوع رویدادی در حال وقوع است و آیا این رویداد ملموس و عینی است یا غیرملموس و ذهنی؟ در این مقاله نویسنده در نظر دارد تا در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی و مشخصاً فرانش تجریبی و فرآیندهای آن به بررسی و توصیف حکایاتی از گلستان سعدی بپردازد تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا میان فرآیندهای به کار رفته در حکایات و مضامین آن‌ها، قرابتی وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور از هر باب، پنج حکایت به صورت اتفاقی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. افعال به کار رفته در حکایات، مشخص و انواع فرآیندها بر اساس تقسیم بندی دستور هالیدی و فرآیندهای آن در هر حکایت و در مجموع آن‌ها تعیین شده است.

#### پیشینه و ضرورت تحقیق

سبک‌شناسی ادبی شاخه‌ای نوین است که در آن ویژگی‌های زبان در آثار ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ایران مهاجر و نبوی (۱۳۷۶) نخستین بار به تحلیل زبان ادبی روی آوردند و بر اساس الگوی نقش‌گرای هالیدی، الگویی را در این زمینه ارائه دادند. قبادی و رضایی (۱۳۹۰) بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند، یکی از قصاید معروف فرخی سیستانی را تحلیل کرده‌اند که شعرای هم‌عصر او یعنی ازرقی، مسعود سعد و معزی از آن تقلید کرده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل کاربرد فرآیندها، حکایت از آن دارد که ازرقی در سراسر سروده خود، از خلاقیت بیشتری استفاده کرده است، اما مسعود سعد و معزی صرفاً مقلد بوده‌اند تا نوآور. یکی از دیگر تحقیقات در این زمینه، تحلیل چهار داستان کوتاه از جلال آل احمد و صادق هدایت است که آقا گل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در چارچوب نقش‌گرایی هالیدی و بر مبنای نظام گذرایی بررسی کرده‌اند. بهره‌گیری بیشتر از فرآیندهای

مادی در داستان‌های آل احمد نشان‌گر اتخاذ دیدگاهی واقع‌گرایانه‌تر از سوی او نسبت به هدایت است و استفاده بیشتر از فرآیند رفتاری در داستان‌های هدایت، بیان‌گر توجه به انسان و مرکزیت آن در داستان‌های اوست. امیرخانلو (۱۳۹۴) به بررسی فرآیندهای فرانش تجربی در چارچوب نقش‌گرایی هالیدی در منتخبی از غزلیات حافظ پرداخته است. نتایج تحلیل، حاکی از ارتباط میان محتوای غزلیات حافظ و فرآیندهای به کار رفته در آن‌هاست. رضائی و رستم‌بیک (۱۳۹۴) به تحلیل کمی متن کتاب انگلیسی مقطع هفتم بر اساس دستور نقش‌گرایی هالیدی و فرآیندهای فعلی آن پرداخته‌اند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد پربسامدترین فرآیند در این کتاب، از آن فرآیند مادی است و کمترین بسامد متعلق به فرآیند وجودی است. در مورد تحلیل حکایات گلستان نیز تا کنون تحقیقاتی صورت گرفته است. فلاح و همکاران (۱۳۸۹) از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، ساختار روایی گلستان را به نقد کشیده‌اند. حاجی‌علی‌لو (۱۳۹۰) ساختار حکایات گلستان را مورد بررسی قرار داده است. نقد روان‌شناسی گلستان نیز، عنوان تحقیقی است که نظری و همکاران (۱۳۹۱) انجام داده‌اند و مهربانی و ذاکر (۱۳۹۵) به تحلیل معناشناختی چند حکایت از گلستان بر اساس دستور نقش‌گرایی هالیدی پرداخته‌اند. تحقیق حاضر فرآیندهای فعلی فرانش تجربی را در دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هالیدی نه در سطح چند حکایت، بلکه در هر هشت باب آن به صورت کمی و توصیفی مورد تحلیل قرار داده است که این امر فصل ممیز میان تحقیق حاضر و تحقیقات پیشین است.

### چارچوب نظری تحقیق

زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، اساساً دیدگاهی است که به بررسی نقش‌های زبان برای کاربرد در جامعه می‌پردازد و شامل بررسی رخداد‌های واقعی زبان است که به درک اهداف زبان در موقعیت‌های مختلف، و روشی که زبان در آن نقش‌آفرینی می‌کند، منجر می‌شود؛ بنابراین در این نوع دستور، هدف بررسی نحوه ساخت معنا در متون و بافت‌های مختلف است.

مفهوم نظام‌مند در این نوع دستور، اشاره به نظام نشانه‌ای زبان دارد که ریشه در آراء فردینان دوسوسور دارد. زبان نظامی نشانه‌ای است که به صورت قراردادی کدبندی شده

است و در قالب مجموعه‌ای از انتخاب‌ها، نظام یافته است. بواقع این ویژگی متمایز نظام‌های نشانه‌ای است که در آن‌ها هر کدام از انتخاب‌ها، معنایی متفاوت از سایر انتخاب‌های موجود دارد (Eggins, ۲۰۰۴: ۲۱).

واحد اولیه مطالعه در این دستور، بند است که سه نقش یا فرانش برای زبان توصیف می‌کند که به صورت همزمان در هر بندی که در گفتار یا نوشتار به کار می‌بریم، قابل تشخیص است و انتخاب‌های زبانی ما را به بافت‌هایی که زبان در آن‌ها مشارکت دارد، مرتبط می‌سازد. این فرانش‌ها عبارتند از: اندیشگانی، بینا فردی و متنی. آن‌چنان‌که در هر بند در زبان ما به صورت همزمان، نوعی از تجربه ساخته می‌شود (اندیشگانی)، نقشی ارتباطی را با یک شنونده یا خواننده نمایش می‌دهد (بینا فردی) و پیام‌های ما را به بافت قبل و بعد از پیام مرتبط می‌سازد (متنی) (Schlepppegrell, ۲۰۱۱: ۲۱).

آنچه از جهان هستی درک و تجربه می‌کنیم، از طریق فرانش اندیشگانی باز نمود می‌یابد که خود شامل فرانش تجربی و منطقی می‌شود. باز نمود تعامل میان مشارکین در ارتباطات زبانی و ایجاد و تثبیت روابط اجتماعی، به واسطه فرانش میان فردی حاصل می‌شود (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴: ۲۹). فرانش متنی نیز با متن سرو کار دارد و نشان‌گر ارتباط میان آنچه می‌گوییم با آنچه که گفته‌ایم و بافت پیرامون است. در واقع این فرانش، بیان‌گر نحوه چیدمان اطلاعات بینا فردی و اندیشگانی است (Schlepppegrell, ۲۰۱۱: ۷۴).

### فرانش تجربی

آن‌چنان‌که ذکر شد، اساس کار تحقیق حاضر بر مبنای فرانش تجربی و فرایندهای آن است. بر پایه فرانش تجربی، ما برای صحبت کردن پیرامون تجربه‌های خود، از جهان بیرون و درون ذهن بهره می‌گیریم. دستور زبان، میان این دو جهان، خط انفصال می‌کشد و فرایندهای جهان خارج را از جهان درون به صورتی نسبتاً آشکار متمایز می‌کند. از نقطه نظر تجربی، بخش مرکزی پیام را فرایند، یعنی چیزی که در حال وقوع است تشکیل می‌دهد. هالیدی با تأکید بر این‌که تعیین مرز دقیق میان فرایندها ممکن نیست، سه فرایند اصلی این فرانش را فرایندهای "مادی، ذهنی، رابطه‌ای" و سه فرایند فرعی را "رفتاری، بیانی، وجودی" عنوان می‌کند.

### فرایندهای مادی (Material Process)

فرایندهای مادی می‌تواند به دو صورت فیزیکی و انتزاعی بازنمود یابد. هر نوع کنش که منجر به انجام عمل یا رخ دادن واقعه‌ای شود، فرآیندی مادی تلقی می‌شود؛ مانند: راه رفتن، شکستن... . شکل انتزاعی آن نیز افعالی را شامل می‌شود که در آن‌ها تغییر حالتی حاصل شود؛ مانند استعفا دادن و... . در فرآیند مادی عنصر کننده کار، کنش‌گر (actor) و عنصری که متأثر از فعل انجام شده است، هدف (goal) نام دارد. (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۰: ۱۷۹)

### فرایندهای ذهنی (Mental Process)

براساس بیان هالییدی فرآیند ذهنی بر فکر، احساس و درک ما دلالت دارد (هالییدی، ۱۹۸۵: ۱۱۲-۱۰۶). به عبارت بهتر این فرآیند بیان‌گر تغییرات موجود در احساسات و ادراک ما است. در این فرآیند، موجود ذی‌شعوری که چیزی را درک و احساس می‌کند و در مورد آن می‌اندیشد، احساس‌گر است (sensor) و آنچه مورد حس و درک و اندیشه است، پدیده (phenomenon) نام دارد.

### فرایندهای رابطه‌ای (Relational Process)

ارتباط میان دو پدیده معمولاً با فرآیند رابطه‌ای و با بهره‌گیری از فعل ربطی حاصل می‌شود که این فرآیندها با استفاده از افعالی نظیر بودن، شدن و... بیان می‌شوند که در این میان مشخصه و ویژگی نسبت داده شده را، شاخص (attribute) و کسی که ویژگی به آن نسبت داده شده است، حامل (carrier) نام دارد - (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴: ۲۱۰-۲۲۸).

### فرایندهای رفتاری (Behavioral Process)

فرآیند رفتاری به همراه بیانی و وجودی، سه فرآیند فرعی هستند که چون در مرز فرایندهای اصلی واقع می‌شوند، فرعی لقب گرفتند. هر گونه رفتار فیزیکی و روانی انسانی

و یا حیوانی به این نوع فرآیند مرتبط است که در آن موجود به‌عنوان رفتارگر (behavior) شناخته می‌شود. خندیدن، گریه کردن و... از افعال رفتاری محسوب می‌شوند (Halliday, ۲۰۰۴: ۲۴۸) & Matthiessen,

#### فرایندهای بیانی (Verbal Process)

افعالی مانند گفتن، پرسیدن، بیان کردن و... بیان‌گر فرآیند بیانی هستند. در این فرآیند کسی که چیزی می‌گوید، گوینده (sayer)، آن که مورد خطاب است، مخاطب (receiver) و آنچه بیان می‌شود، گفته (verbiage) نام دارد (Eggins, ۲۰۰۴: ۲۳۹).

#### فرایندهای وجودی (Existential Process)

در فرایندهای وجودی، وجود داشتن چیزی یا عملی بیان می‌شود و با افعالی چون "بودن، هستن و وجود داشتن" تبلور می‌یابد. بندهای وجودی در ابتدای یک متن داستانی، ذهن شنونده را برای دریافت اطلاعات جدید آماده می‌کنند (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴: ۲۵۶).

### بحث و بررسی

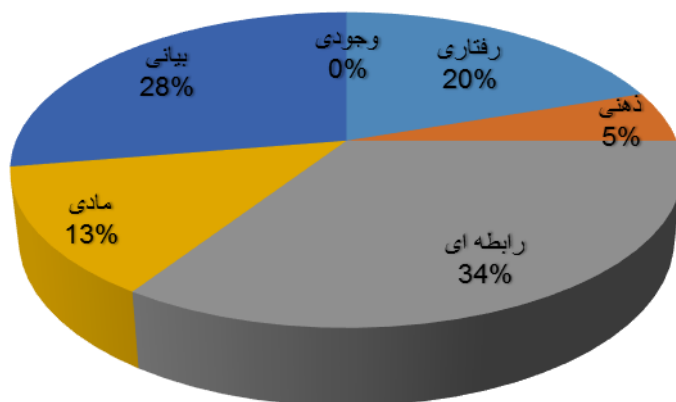
#### الف) تحلیل داده‌ها

هالییدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۷۴) معتقدند که گوینده بر اساس معنی و هدفی که در ذهن خود دارد، فرآیند مورد نظر خود را انتخاب می‌کند، به‌گونه‌ای که اگر موضوع تغییر کند، متن، نوع فرآیند و بسامد آن نیز تغییر می‌یابد. هنگامی که هدف خبررسانی باشد، فرآیند بیانی بیشترین درصد را خواهد داشت و زمانی که فرآیندی آموزشی مد نظر باشد، اکثریت از آن فرآیند مادی است. بدین‌منظور از مجموع هشت باب گلستان سعدی برگرفته از کلیات سعدی با تصحیح محمدعلی فروغی، ۴۰ حکایت (از هر باب ۵ حکایت) به شکل تصادفی انتخاب شد. افعال آن‌ها بررسی و فرآیند موجود در آن‌ها محاسبه شد. در ادامه ابتدا بسامد انواع فرآیندها در مجموع هشت باب در قالب جدول آمده است و سپس درصد بهره‌گیری از هر کدام از مؤلفه‌ها به‌صورت نمودار نشان داده شده است.

جدول بسامد انواع فرآیندها در مجموع هشت باب گلستان

فرآیندها	بسامد
رفتاری	۸۵
مادی	۱۱۴
رابطه‌ای	۱۴۰
ذهنی	۳۹
وجودی	۶
بیانی	۱۱۳

### باب اول



نمودار شماره ۱: درصد فرآیندها در باب اول: در عبرت پادشاهان

آن‌چنان که نمودار بالا نشان می‌دهد در باب اول گلستان در مجموع پنج حکایت و از مجموع ۷۶ فرآیند، درصد فرآیند رابطه‌ای بیش از سایر فرآیندهاست (۳۴ درصد). پس از آن فرآیند بیانی با ۲۸ درصد، رفتاری با ۲۰ درصد، مادی با ۱۳ درصد، ذهنی با ۵ درصد و وجودی با ۰ درصد هستند. حکایت زیر برگرفته از این باب است:

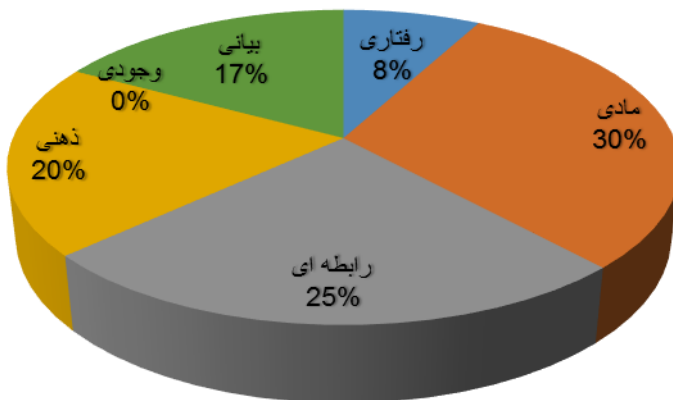
«یکی از وزرا پیش ذوالفنون مصری رفت و همت خواست که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و خیرش امیدوار و از عقوبتش ترسان. ذوالفنون گریست و گفت اگر من



خدای عزوجل چنین پرستیدمی که تو سلطان را از جمله صدیقان بودمی» (سعیدی، ۱۳۸۵: ۱۹).

در حکایت فوق که از باب اول یعنی باب «در عبرت پادشاهان» انتخاب شده است افعال مشخص شده، فرآیند رابطه‌ای هستند که البته در دو مورد فعل ربطی (هست) محذوف است. شناسه «-م» در هر چهار فعل، حامل است و به ترتیب «مشغول»، «امیدوار» و «ترسان» شاخص محسوب می‌شوند. قابل ذکر است که در هر حکایات ذکر شده از باب‌های گلستان در این مقاله، فرآیندهایی مشخص شده‌اند که بیشترین درصد را در باب ذکر شده دارا بودند.

### باب دوم



نمودار شماره ۲: درصد فرآیندها در باب دوم: در اخلاق درویشان

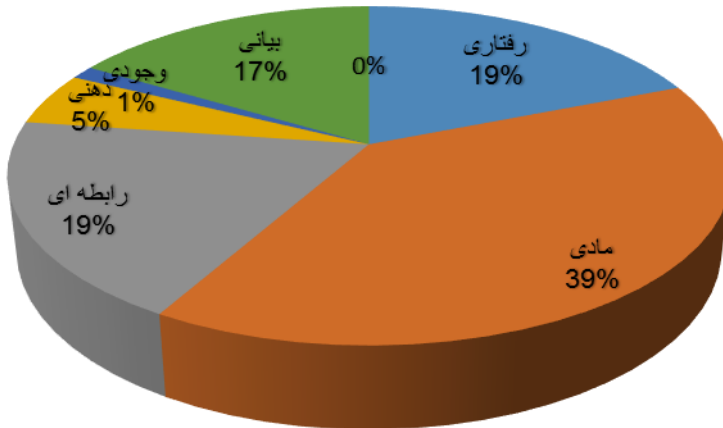
در باب دوم، در اخلاق پارسایان، از مجموع ۷۶ فرآیند، فرآیند مادی با ۳۰ درصد، بیشترین فراوانی را داراست و فرآیند رابطه‌ای با ۲۵ درصد، ذهنی با ۲۰ درصد، بیانی با ۱۷ درصد، رفتاری ۸ درصد و وجودی ۰ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند.

«پارسایی را دیدم بر کنار دریا که زخم پلنگ داشت و به هیچ دارویی به نمی‌شد. مدت‌ها در آن رنجور بود و شکر خدای عزّ و جلّ علی‌الدوام گفتی. پرسیدنش که شکر چه می‌گویی؟ گفت شکر آن‌که به مصیبتی گرفتارم و نه به معصیتی» (همان).

در حکایت فوق افعال «داشت، نمی‌شد، بود و هست» فرآیند رابطه‌ای هستند. فعل

ربطی « هست » در دو نمونه آخر محذوف است. در سه فعل اول «پارسا» و در دو مورد آخر نیز شناسه «-م» حامل محسوب می‌شوند. «زخم پلنگ، به، رنجور، گرفتار و معصیت» نیز به ترتیب شاخص هستند.

### باب سوم



نمودار شماره ۳: درصد فرایندها در باب سوم: در فضیلت قناعت

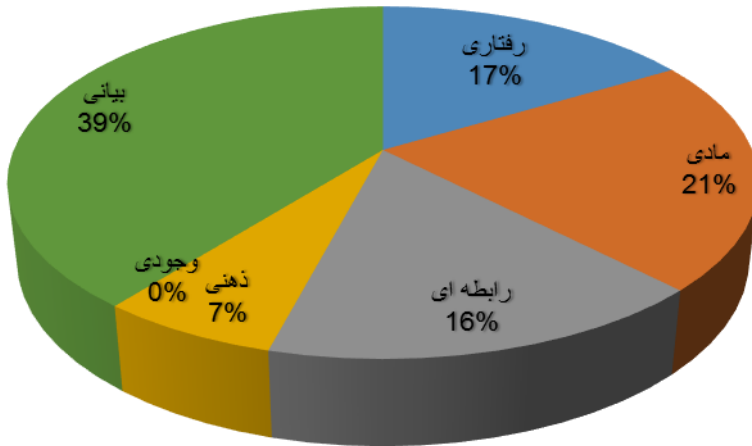
در باب سوم و از مجموع ۷۹ فرآیند، بیشترین درصد از آن فرآیند مادی است که ۳۰ درصد است. فرایندهای رفتاری و رابطه‌ای با درصد یکسان یعنی ۱۹ درصد کاربرد داشته‌اند. پس از آن‌ها بیشترین درصد را فرآیند بیانی با ۱۷ درصد داراست. فرایندهای ذهنی با ۵ درصد و وجودی با ۱ درصد در رتبه‌های بعدی هستند. در ادامه حکایتی از این باب آمده است:

«حاتم طایی را گفتند: از تو بزرگ همت‌تر در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟ گفت بلی روزی چهل شتر قربانی کرده بودم امرای عرب را. پس به گوشه صحرا به حاجتی برون رفته بودم. خارکنی را دیدم پشته فراهم آورده. گفتمش به مهمانی حاتم چرا نروی که خلقی بر سماط او گرد آمده‌اند. گفت هر که نان از عمل خویش خورد، منت حاتم طایی نبرد. من او را به همت و جوانمردی از خود برتر دیدم» (همان).

افعال فوق فرآیند مادی هستند که همگی کنشی هستند. شناسه «-م» در فعل اول و

دوم کنش‌گر است. «خارکن» کنش‌گر فعل سوم و «خالقی» نیز کنش‌گر فعل چهارم است.

### باب چهارم



نمودار شماره ۴: درصد فرآیندها در باب چهارم: در فواید خاموشی

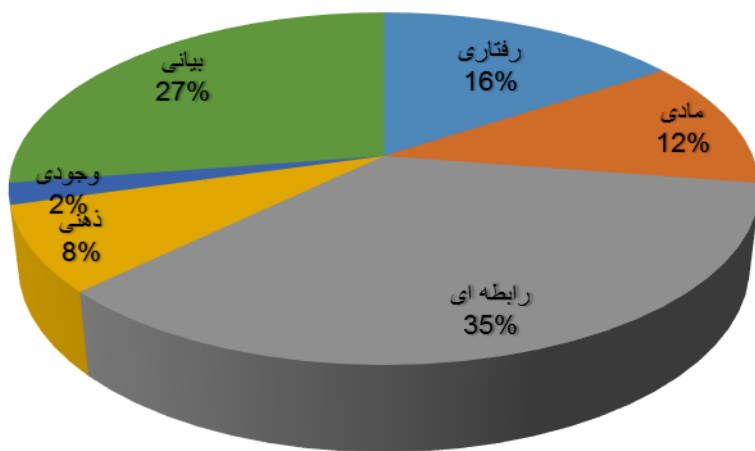
در حکایات بررسی‌شده باب چهارم؛ در باب خاموشی، از مجموع ۶۱ فرآیند، بیشترین درصد را فرآیند بیانی دارد که ۳۹ درصد است. فرآیند مادی با ۲۱ درصد، رفتاری ۱۷ درصد، رابطه‌ای ۱۶ درصد و ذهنی ۷ درصد هستند. فرآیند وجودی نیز با ۰ درصد کاربردی نداشته است. حکایت زیر از باب چهارم است:

«تنی چند از بندگان محمود گفتند حسن میمندی را که سلطان امروز تو را چه گفت در فلان مصلحت؟ گفت: بر شما هم پوشیده نباشد. گفتند: آنچه با تو گوید به امثال ما گفتن روا ندارد. گفت: به اعتماد آنکه داند که نگوییم پس چرا همی پرسید؟!» (همان)

افعال مشخص‌شده در حکایت بیان‌شده، فرآیند بیانی هستند. «بنندگان محمود» در فعل اول، «سلطان» در فعل دوم و شناسه «-ت-» در فعل سوم، شناسه «-ند-» در فعل چهارم، شناسه «-د-» در فعل پنجم، شناسه «-ت-» در فعل ششم، شناسه «-م-» در فعل هفتم و شناسه «-د-» در فعل آخر گوینده هستند. «حسن میمندی» در فعل اول مخاطب است. مخاطب افعال دوم و چهارم «تو»، مخاطب فعل سوم «شما»، پنجم و ششم

«تو» و «بندگان محمود» در فعل هفتم و هشتم مخاطب است. جمله «سلطان امروز تو را چه گفت در فلان مصلحت» برای فعل اول «گفته» محسوب می‌شود. هم‌چنین «چه» در فعل دوم، «بر شما هم پوشیده نباشد» در فعل سوم، «آنچه با تو گوید با امثال ما گفتن روا ندارد» در فعل چهارم، «آنچه» در فعل پنجم «به اعتماد آنکه داند که نگویم پس چرا همی پرسید» برای فعل ششم، «به اعتماد آنکه داند» برای فعل هفتم و «چرا» در فعل آخر گفته می‌باشند.

### باب پنجم



نمودار شماره ۵: درصد فرآیندها در باب پنجم: در عشق و جوانی

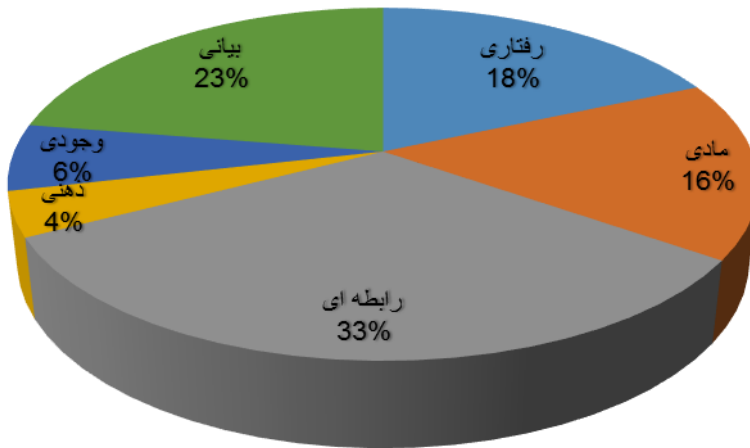
از مجموع ۵۱ فرآیند، فرآیند رابطه‌ای در باب پنجم؛ باب در عشق و جوانی، با ۳۵ درصد بیشترین فراوانی را دارد. فرآیند بیانی با ۲۷ درصد، رفتاری ۱۶ درصد، مادی ۱۲ درصد، ذهنی ۸ درصد و وجودی ۲ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند.

«حسین میمندی را گفتند که سلطان محمود چندین بنده صاحب‌جمال دارد که هر یکی بدیع جهانی‌اند چگونه افتاده است که با هیچ یک از ایشان میل و محبتی ندارد چنان‌که با ایاز که حسن زیادتی ندارد؟ گفت: هر چه به دل فرو آید در دیده نکو نماید» (همان)

در حکایت فوق‌الذکر افعال مشخص شده، فرآیند رابطه‌ای هستند که «بنده» برای فعل اول حامل است و «صاحب‌جمال» شاخص محسوب می‌شود. در افعال دوم، سوم و چهارم

شناسه «- د-» حامل است و به ترتیب و «میل و محبت»، «حسن زیادتی» و «نکو» شاخص هستند.

### باب ششم



نمودار شماره ۶: درصد فرآیندها در باب ششم: در ضعف و پیری

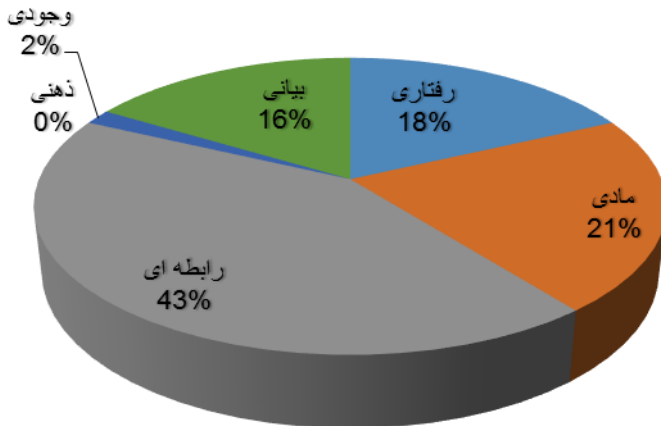
در باب ششم گلستان با عنوان در ضعف و پیری، از مجموع ۴۹ فرآیند، رابطه‌ای با ۳۳ درصد بیشترین درصد را داراست. سایر فرآیندها نیز ترتیب بیانی با ۲۳ درصد، رفتاری ۱۸ درصد، مادی ۱۶ درصد، وجودی ۶ درصد و ذهنی ۴ درصد، در این باب به کار رفته‌اند. حکایتی از این باب در ادامه ذکر می‌گردد:

«مهمان پیری شدم در دیار بکر که مال فراوان داشت و فرزندی خویروی. شبی حکایت کرد که مرا به عمر خویش بجز این فرزند نبوده است. درختی در این وادی زیارتگاه است که مردمان به حواجت خواستن آنجا روند. شب‌های دراز پای آن درخت بر حق نالیده‌ام تا مرا این فرزند بخشیده است. شنیدم پسر با رفیقان آهسته همی گفت: چه بودی اگر من آن درخت بدانستمی کجاست تا دعا کردمی و پدر بمردی. خواجه شادی‌کنان که پسرم عاقل است و پسر طعنه‌زنان که پدرم فرتوت است» (همان).

در حکایت فوق، افعال مشخص شده، جزو فرآیند رابطه‌ای هستند که البته در مورد سوم فعل «داشت» محذوف است. شناسه «- م-» در فعل اول و شناسه «- ت-» در افعال دوم،

«مرا» در فعل سوم، «پسر» در فعل چهارم و «پدر» در فعل پنجم حامل هستند. «همان»، «مال فراوان»، «فرزند خویروی»، «عاقل» و «فرتوت» نیز به ترتیب شاخص می‌باشند.

### باب هفتم

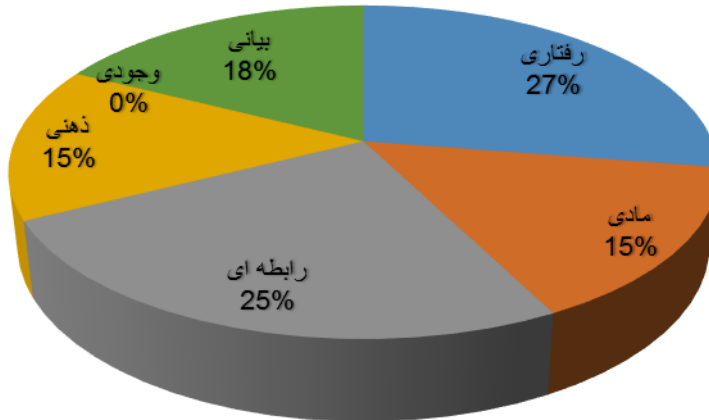


نمودار شماره ۷: درصد فرآیندها در باب هفتم: در تأثیر تربیت

نزدیک به نیمی از فرآیندهای به کار رفته در باب هفتم گلستان با ۴۳ درصد متعلق به فرآیند رابطه‌ای است که از مجموع ۶۱ فرآیند حاصل شده است. مادی با ۲۱ درصد در رتبه دوم است و فرآیندهای رفتاری با ۱۸ درصد، بیانی ۱۶ درصد، وجودی ۲ درصد و ذهنی ۰ درصد در رتبه‌های بعد هستند.

«یکی را شنیدم از پیران مری که مریدی را همی‌گفت: ای پس چندان که تعلق خاطر آدمیزاد به روزیست اگر به روزی‌دهنده بودی بمقام از ملائکه درگذشتی» (همان) در حکایت فوق دو فعل تعیین شده‌اند که هر دو، جزو فرآیند رابطه‌ای یعنی فرآیند غالب در این باب هستند. در هر دو فعل «آدمیزاد» حامل و «تعلق خاطر» شاخص است.

### باب هشتم



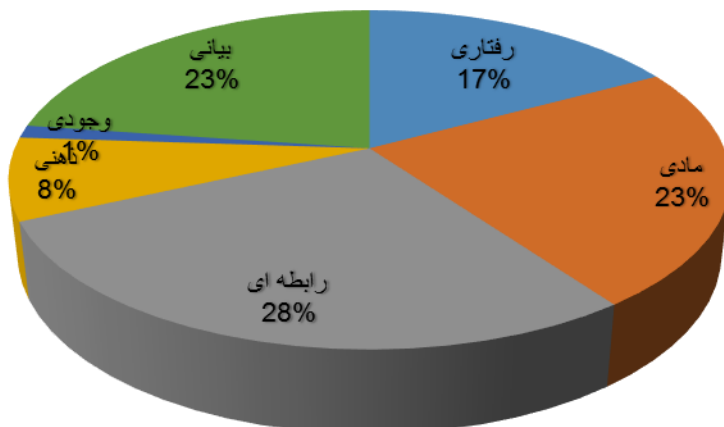
نمودار شماره ۸: درصد فرآیندها درباب هشتم: در آداب صحبت

مجموع فرآیندها در باب هشتم ۳۹ فرآیند بود که بیشترین درصد از آن فرآیند رفتاری است که ۲۷ درصد است. فرآیند رابطه‌ای پس از آن با ۲۵ درصد بیشترین فراوانی را داراست و پس از آن فرآیندهای بیانی با ۱۸ درصد است. فرآیندهای مادی و ذهنی از درصدی مساوی یعنی ۱۵ درصد برخوردارند و از فرآیند وجودی با صفر درصد نیز در این باب استفاده‌ای نشده است. حکایت زیر از این باب است:

«شبان را پدری خردمند بود. روزی بدو گفت: ای پدر دانا و خردمند مرا آنگونه که از پیران خردمند می‌رود، پندی بیاموز. پدر گفت: به مردم نیکی کن ولی به اندازه نه به حدی که او را مغرور کند و خیره سر نماید» (همان).

افعال مشخص شده در حکایت فوق، فرآیند رفتاری هستند و به ترتیب «پیران خردمند» در فعل اول، «پدر» در فعل دوم و «شبان» در فعل سوم رفتارگر تلقی می‌شوند.

### مجموع باب‌ها



نمودار شماره ۹: درصد فرآیندها در مجموع هشت باب

در هشت باب و از مجموع ۴۹۷ فرآیند، فرآیند رابطه‌ای بیشترین میزان را با ۲۸ درصد داراست و فرآیند مادی و بیانی هر دو از نسبتی برابر یعنی ۲۳ درصد برخوردارند. فرآیندهای رفتاری با ۱۷ درصد، ذهنی با ۸ درصد و وجودی با ۱ درصد، در رتبه‌های بعدی هستند. کمترین میزان کاربرد فرآیندها مربوط به فرآیندهای وجودی و ذهنی است. در حکایت زیر نمونه‌هایی از فرآیند ذهنی آمده است:

«شی یاد دارم که یاری عزیز از در درآمد. چنان بی خود از جای برجستم که چراغم به آستین کشته شد. نشست و عتاب آغاز کرد که مرا در حال بدیدی چراغ بکشتی به چه معنی؟ گفتم به دو معنی: یکی این که گمان بردم که آفتاب برآمد و دیگر آن که بیتی به خاطر آمد». (همان)

سه فعل «یاد دارم»، «گمان بردم» و «به خاطر آمد» در حکایت فوق فرآیند ذهنی هستند. شناسه «م-» در هر سه فعل «حسگر» است و «درآمدن یاری عزیز از در»، «برآمدن آفتاب» و «بیتی» هم پدیده‌هایی هستند که درک یا تجربه شده‌اند. در حکایات بررسی شده، تنها ۶ مورد فرآیند وجودی شناسایی شد. نمونه‌ای از این فرآیند در حکایت زیر آمده است:



«یکی را از مشایخ شام پرسیدند از حقیقت تصوف. گفت پیش از این طایفه‌ای در جهان بودند به صورت پریشان و به معنای جمع اکنون طایفه‌ای هستند به صورت جمع و به معنی پریشان» (همان).

در حکایت ذکر شده افعال «بودند» و «هستند»، فرآیند وجودی می‌باشند. «مشایخ» نیز نقش موجود را برای دو فعل دارد.

### بررسی کاربرد فرآیندها در هشت باب گلستان

آن‌چنان‌که ذکر شد بر اساس نظریه هالیدی، می‌توان با تعیین افعال و بررسی و محاسبه فرآیندهای آن‌ها در متن، راه به دنیای ذهنی و تجربیات نویسنده برد. بواقع دنیای درون و بیرون نویسنده را می‌توان با انتخاب‌های زبانی او شناخت. نویسنده بر اساس معنایی که در درون ذهن خود دارد از بین صورت‌های زبانی، دست به انتخاب می‌زند. در بررسی باب‌های گلستان سعدی، آن‌چنان‌که نمودار تحلیل کلی هشت باب نشان می‌دهد، فرآیند رابطه‌ای بیشترین درصد را داراست. در واقع در چهار باب از هشت باب (باب‌های اول، پنجم، ششم و هشتم) یعنی نیمی از آن فرآیند رابطه‌ای، فرآیند غالب است. این به معنای استفاده بیشتر از ساختار وصفی در حکایات این باب‌ها نسبت به باب‌های دیگر گلستان است که در آن، هدف توصیف مشخصات حامل و ویژگی‌های محمول است که در باب‌های فوق‌الذکر از این فرآیند برای توصیف پادشاهان، ویژگی‌های عشق و جوانی، ناتوانی و پیری و اثرات تربیت استفاده شده است.

فرآیند مادی در دو باب از هشت باب گلستان (باب دوم: «در اخلاق درویشان» و باب سوم: «در فضیلت قناعت») فرآیند غالب است. این بدین معناست که حکایات این دو باب از عینیت بیشتری برخوردارند. بهره‌گیری از فرآیند مادی برای انتقال روشن و صریح پیام به دور از هر گونه ابهام و پیچیدگی است. فرآیندهای مادی به‌نوعی بیان‌گر واقعیت‌های جهان بیرون و حقایق روزگار هستند. از این فرآیند برای انتقال مفاهیم ملموس و عینی استفاده می‌شود.

در باب چهارم، «در فواید خاموشی»، فرآیند بیانی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. بهره‌گیری از این فرآیند به حکایت، فضایی مناظره‌ای می‌بخشد. گوینده در این

باب شخصیت‌های حکایت هستند نه سعدی. فضای گفت‌وگویی حاکم بر حکایاتی که فرآیند بیانی در آن‌ها غالب است، سبب شناخت بهتر از حالات و کنش‌ها و به‌نوعی دیدگاه‌های آن‌ها می‌شود. بیشترین استفاده نیز از افعال «گفتن» و «پرسیدن» شده است. بنابراین استفاده از فرآیند بیانی عملاً در جهت برجسته‌سازی بیان و کلام است.

در باب آخر، فرآیند رفتاری بیشترین استفاده را داشته است که نشان از اهمیت و برجسته‌سازی رفتار و تأثیر عمل با محوریت انسان دارد. با توجه به موضوع و محتوای این باب که پیرامون آداب صحبت و همنشینی، پذیرفتنی است که فرآیند رفتاری بیشترین درصد را دارا باشد.

فرآیندهای ذهنی با ۸ و وجودی با ۱ درصد، کمترین میزان را در میان فرآیندها دارا هستند. عدم بهره‌گیری از فرآیند ذهنی به این معناست که نویسنده قصد دارد پیام را به‌صورتی صریح و به زبانی ساده بیان کند، به‌گونه‌ای که برای درک آن نیازی به تفسیر نباشد. بنابراین از افعالی که دال بر ذهنیت و اندیشه باشند، بهره گرفته نمی‌شود و فضای حکایت واقعی و عینی است. بهره‌گیری از فرآیند وجودی نیز در جهت بیان آنچه هست و آنچه باید باشد، به کار می‌رود. با این حال در حکایات گلستان، از این فرآیند نیز در کمترین میزان خود استفاده شده است که خود مؤید این است که در گلستان هدف، انتقال پیام به روشی ساده و قابل فهم است.

## نتیجه

به‌کارگیری و محاسبه افعال به‌عنوان شاخص سبکی در سبک‌شناسی متون ادبی می‌تواند سبب ایجاد تحلیل‌ها و نگاه‌های نو در این زمینه گردد. در بررسی چهل حکایت از هشت باب گلستان سعدی نیز با تعیین افعال و بررسی و تعیین بسامد آن‌ها به بررسی فرآیندهای به کار رفته در آن پرداختیم. در تحلیل آماری، فرآیند رابطه‌ای، فرآیند غالب است که در چهار باب از هشت باب گلستان بیشترین درصد را داراست. در این چهار باب، فرآیند مادی نیز از درصد بالایی برخوردار است. استفاده همزمان و همراهی فرآیند رابطه‌ای و مادی، نشان از نوعی حرکت از توصیف به سمت کنش و بالعکس است که عملاً در جهت ایجاد رابطه میان پدیده‌ها در این حکایات است. به عبارت دیگر بهره‌گیری از عبارات

وصفی و توصیف حالات و مشخصه‌های افراد، بر هر امر دیگری مرجح است. از فرآیند مادی نیز در دو باب با بالاترین درصد استفاده شده است تا عملاً به فضای حکایات، عینیت و واقعیت بخشیده شود. کمترین استفاده ممکن از فرآیندهای وجودی و ذاتی است تا اثبات شود که کلام و سخن سعدی در گلستان به روشن‌ترین و ساده‌ترین شکل ممکن بیان شده است و هیچ‌گونه ابهامی در آن نیست و برای درک نیز نیازی به تعبیر و تفسیر ندارد و حکایت به زبانی ساده بیان شده است که این امر بر اثربخشی متن می‌افزاید و فهم آن را سهل و ساده می‌کند. با توجه به مطالب مطروحه می‌توان گفت که میان نوع فرآیند انتخابی و مضمون حکایات، قرابت وجود داد. برجسته‌سازی رفتار و اثر کنش در باب "در آداب صحبت و همنشینی"، اهمیت‌دهی و برجسته‌سازی کلام در باب "در فواید خاموشی"، عینیت‌بخشی و سادگی و روانی در باب‌های "در اخلاق پارسایان" و "در فضیلت قناعت" با بهره‌گیری غالب از فرآیند مادی و به کارگیری ساختار وصفی در کنار کنش و ایجاد فضایی عینی و ملموس در باب‌های در "عشق و جوانی"، ناتوانی و پیری، توصیف پادشاهان و اثرات تربیت، مؤید فرضیه مطروحه در این تحقیق است که میان مضمون حکایات و فرآیند انتخابی در باب‌های گلستان، رابطه وجود دارد.

## منابع

### الف) کتاب‌ها

۱. سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵). کلیات سعدی. مصحح: محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
۲. متینی، جلال. (۱۳۷۵). اشخاص داستان در گلستان؛ مجموعه مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی. تهران: امیرکبیر.
۳. مهاجر، مهران. نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر. تهران: مرکز.

### ب) مقالات

۴. آفاگل‌زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حسین رضویان. (۱۳۹۰). "سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا". در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی و نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، صص: ۲۴۳-۲۵۴.
۵. امیرخانلو، معصومه. (۱۳۹۴). "سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا". در ادب فارسی، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان، شماره ۱۶، صص، ۱۶۹-۱۸۶.
۶. حاجی علی‌لو، حسین. (۱۳۹۰). "بررسی ساختار حکایت‌های گلستان". در پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳، صص: ۹-۲۶.
۷. فلاحی، محمدهادی؛ توکلی، نسترن و سیامک صاحبی. (۱۳۸۹). "بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی". در پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، صص: ۱۰۹-۱۳۴.
۸. قبادی، حسینعلی و رضایی جمکرانی احمد. (۱۳۹۰). "بررسی و تحلیل و نقد قصیده فارسی بر اساس آموزه‌های زبان‌شناسی سیستمی - نقش‌گرا". در پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۰، صص- ۶۹-۹۳.
۹. رضانی، احمد و رستم‌بیک تفرشی، آتوسا. (۱۳۹۴). "تحلیل متن کتاب زبان انگلیسی هفتم بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی". در پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص: ۵۹-۶۷.
۱۰. مهربانی، معصومه و ذاکر، آرمان. (۱۳۹۵). "تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی". در دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره هفتم، شماره ۱، پیاپی (۲۹)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، صص: ۱۷۳-۱۹۶.
۱۱. نظری، جلیل؛ الهی‌زاده صغری و خسرو رضانی. (۱۳۹۱). "نقد روان‌شناختی گلستان سعدی". در پژوهش‌نامه ادبیات و زبان‌شناسی دانشگاه آزاد فیروزآباد، شماره ۱، صص: ۱۴۱-۱۶۰.

پ) منابع انگلیسی

۱۲. Eggins, S. (۲۰۰۴), *An Introduction to Systemic Functional Linguistics*, New York: Continuum International Publishing Group.
۱۳. Halliday, M. A. K. (۱۹۸۵), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Arnold
۱۴. Halliday, M. A. K. & J. J. Webster (۲۰۰۲), 'Linguistics function and literary style: An inquiry into the language of William Golding's *The Inheritors*' in *Linguistic Studies of Text and Discourse*, London- New York: Continuum.
۱۵. Halliday, M. A. K. & Ch. Matthiessen (۲۰۰۴), *An Introduction to Functional Grammar*, ۳<sup>rd</sup> edition. Britain: Arnold
۱۶. Leech, G. N. and M. H. Short. (۱۹۸۱). *Style in Fiction*, London: Longman
۱۷. Simpson, P. (۲۰۰۴), *Stylistic: A Resource Book for Students*. Routledge: London & New York.
۱۸. Schleppegrell, M.J. (۲۰۱۱), *Systematic Functional Linguistics*. In "the *Routledge Handbook of Discourse Analysis*" (Eds), James Paul Gee & Michael Handford. Routledge :London & New York, Pp. ۲۱-۳۵